

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

## **The Impact of the Ukraine War on Energy Diplomacy in Russia**

1. Touba Pirzadian: PhD Student, Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Dawood Kiani\*: Associate Professor, Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: dkiani@outlook.com (Corresponding Author)
3. Keyhan Barzegar: Associate Professor, Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **ABSTRACT**

Energy diplomacy is a branch of diplomatic relations aimed at ensuring energy security. Due to its increasing impact on national security and the economy, energy has entered the domain of diplomacy and foreign policy, strengthening both fields. This issue has led Russia, given its strategic position, to use energy as a diplomatic tool. However, the outbreak of the Ukraine war has brought significant changes and transformations in this type of diplomacy. In line with these developments, the present article seeks to answer the question: What impact has the Ukraine war had on Russia's energy diplomacy? Using a descriptive-analytical research method, this study hypothesizes that "the Ukraine war appears to have increased China's need for energy while reducing the European Union's dependence on Russian energy." The article's conclusion indicates that, following the collapse of the Soviet Union, the use of energy resources to achieve foreign policy objectives had the most significant influence in the post-Soviet space. Russia has attempted to leverage energy as a tool to influence the domestic and foreign policies of consumer countries. However, this process has been disrupted by the Ukraine war, preventing the realization of these objectives.

**Keywords:** *Ukraine war, energy diplomacy, foreign policy, national interests, political objectives*

How to cite: Pirzadian, T., Kiani, D., & Barzegar, K. (2025). The Impact of the Ukraine War on Energy Diplomacy in Russia. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-18.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 February 2025  
Revise Date: 05 April 2025  
Accept Date: 12 April 2025  
Publish Date: 10 January 2026



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## مطالعه تاثیر جنگ اوکراین بر دیپلماسی انرژی در روسیه

۱. طوبی پیرزادیان: دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. داود کیانی\*: دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: [dkiani@outlook.com](mailto:dkiani@outlook.com) (نویسنده مسئول)

۳. کیهان برزگر: دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

دیپلماسی انرژی یک از انواع حوزه‌های دیپلماتیک است که هدف آن تامین امنیت انرژی است. انرژی در نتیجه تاثیر فزاینده آن بر امنیت ملی و اقتصاد وارد حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی شده است و سبب تقویت هردوی آنها می‌شود. این مسئله سبب شده است تا روسیه با توجه به موقعیت خود از انرژی به عنوان یک ابزار دیپلماسی استفاده نماید اما با وقوع جنگ اوکراین این نوع دیپلماسی دچار تغییر و تحولات فراوانی شده است متناسب با این شرایط مقاله حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که جنگ اوکراین چه تاثیری بر دیپلماسی انرژی روسیه داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که «به نظر می‌رسد که جنگ اوکراین سبب افزایش نیاز چین به انرژی و کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی روسیه شده است» نتیجه‌گیری مقاله نشان می‌دهد که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی بیشترین تاثیر را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت و روسیه سعی دارد تا با استفاده از ابزار انرژی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای مصرف‌کننده تأثیر بگذارد اما این فرایند و روند با وقوع جنگ اوکراین دچار اختلال شده و مانع از تحقق این اهداف شده است.

**واژگان کلیدی:** جنگ اوکراین، دیپلماسی انرژی، سیاست خارجی، منافع ملی، اهداف سیاسی.

نحوه استناددهی: پیرزادیان، طوبی، کیانی، داود، و برزگر، کیهان. (۱۴۰۴). مطالعه تاثیر جنگ اوکراین بر دیپلماسی انرژی در روسیه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱۸-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۳ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۰ دی ۱۴۰۴



کشورها در عصر حاضر درصدد توسعه خود در ابعاد مختلف هستند زیرا فلسفه دولت و حکومت در یک کشور ترقی، رشد دادن و در نهایت رسیدن به توسعه می‌باشد زیرا این موضوع مستقیم و غیر مستقیم مشروعیت و مقبولیت دولت‌ها را متأثر از خود ساخته و آن‌ها را جهت ادامه روند حکمرانی یاری می‌رساند از این رو هر کشوری به مقتضای پتانسیل‌های بالقوه و بالفعلی که دارد تمام هم و غم خود را در این راه می‌گذارد روسیه نیز از جمله‌ی این کشورها است که همواره تلاش داشته و دارد تا جایگاه در خور شایسته‌ای در نظام بین‌المللی به دست آورد از این رو با توجه به پتانسیل‌های طبیعی و اقتصادی که دارد همواره در این راه پیش قدم بوده است از جمله ابزارهای نیل به این مهم در سیاست خارجی روسیه انرژی و استفاده اقتصادی و سیاسی از آن می‌باشد متناسب با این شرایط روسیه فارغ از ابعاد اقتصادی ناشی از درآمدهای حاصل از انرژی همواره تلاش نموده تا با بهره‌گیری از ابزار سیاسی انرژی به نوعی جامعه بین‌الملل و خاصه کشورهای اروپایی را متأثر از خود سازد این مسئله سبب شده تا شاهد نوعی دیپلماسی در سیاست خارجی این کشور تحت عنوان «دیپلماسی انرژی» باشیم طرحی که دارای دو هدف عمده است اولاً، روسیه تلاش دارد با بهره‌برداری از انرژی به اقتصاد داخلی خود سروسامان داده و ثانیاً، از این نوع دیپلماسی به عنوان یک ابزار سیاسی در ارتباط با غرب و اتحادیه اروپا بهره‌برداری نماید بنابراین مهم‌ترین انگیزه‌ی روسیه از طرح فوق عبارتند از محاسبات ژئوپلیتیکی یا منافع اقتصادی یا هر دوی آن‌ها با هم. بنابراین برهم کنش میان اقتصاد و ژئوپلیتیک در قالب انرژی یکی از ویژگی‌های اساسی و زیربنایی در میان اهداف و مقاصد روسیه است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف دستیابی به اهداف سیاست‌خارجی بیشترین تأثیر را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت و روسیه همواره می‌کوشد با استفاده از ابزار انرژی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای مصرف‌کننده تأثیر بگذارد اما با وقوع جنگ اکرین این دیپلماسی دچار تغییر و تحولات فراوانی در قالب اولاً؛ سبب افزایش نیاز چین به انرژی روسیه شده، ثانیاً؛ کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی روسیه را در پی داشته است موضوعاتی که در این مقاله تلاش می‌شود به آن‌ها پرداخته شود.

### چارچوب نظری: رئالیسم ساختاری

واقع‌گرایی ساختاری یا نئواقع‌گرایی نظریه‌ای در روابط بین‌الملل است که می‌گوید قدرت مهم‌ترین عامل در روابط بین‌الملل است. برای اولین بار توسط کنت والتز در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل در سال ۱۹۷۹، مطرح کرد که واقع‌گرایی ساختاری به دو بخش تقسیم می‌شود: واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی. واقع‌گرایی ساختاری معتقد است که ماهیت ساختار بین‌الملل با اصل نظم‌دهنده، هرج و مرج و توزیع توانایی‌ها (که با تعداد قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل اندازه‌گیری می‌شود) تعریف می‌شود. اصل نظم‌دهی آنارشیک ساختار بین‌الملل غیرمتمرکز است، به این معنی که هیچ اقتدار مرکزی رسمی وجود ندارد. از یک سو، واقع‌گرایی تهاجمی به دنبال قدرت و نفوذ برای دستیابی به امنیت از طریق سلطه و هژمونی است. از سوی دیگر، واقع‌گرایی تدافعی استدلال می‌کند که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، دولت‌ها را تشویق می‌کند تا سیاست‌های معتدل و محفوظ را برای دستیابی به امنیت حفظ کنند. واقع‌گرایی تدافعی ادعا می‌کند که گسترش تهاجمی که توسط واقع‌گرایان تهاجمی ترویج می‌شود، تمایل دولت‌ها را به انطباق با نظریه موازنه قدرت بر هم می‌زند و در نتیجه هدف اصلی دولت را که آن‌ها معتقدند تضمین امنیت دولت است، کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. در حالی که واقع‌گرایی تدافعی واقعیت‌درگیری بین دولتی را انکار نمی‌کند، و همچنین انگیزه‌هایی برای گسترش دولت وجود ندارد، ادعا می‌کند که این انگیزه‌ها پراکنده هستند و نه متمرکز. واقع‌گرایی تدافعی به «اصلاح‌کننده‌های ساختاری» مانند معمای امنیتی و جغرافیا، و باورها و ادراکات نخبگان برای توضیح وقوع درگیری اشاره

می‌کند (Lobell, 2017). بنابراین در این راستا می‌توان بیان داشت که نظریه سیاست بین الملل کنت ان. والتز<sup>۱</sup> تاثیر عمیقی بر نظریه روابط بین الملل برجای گذاشت. واقع گرایی ساختاری که توسط والتز توسعه یافته است استدلال می‌کند که سیستم آنارشی و توزیع توانایی‌ها محدودیت‌ها و انگیزه‌های قدرتمندی هستند که «یکسانی» را در رفتار دولت‌ها ایجاد می‌کنند. از نظر والتز، روابط بین الملل آنارشیک است و سلسله مراتبی نیست و واحدهای عملکردی مشابهی دارند و ساختار نظام بین الملل یا قطبیت بر اساس توزیع توانایی‌ها متفاوت است. ماهیت هرج و مرج نظام بین الملل و این فرضیه که دولت‌ها «حداقل به دنبال حفظ خود هستند» و اجتماعی شده اند تا از یکدیگر تقلید کنند، به والتز اجازه می‌دهد تا الگوها و نتایج بین المللی تکرار شونده مانند موازنه‌های قدرت، جنگ پذیری افراد مختلف و توزیع قدرت و تشکیل مکرر اتحاد را توضیح دهد. واقع گرایی ساختاری والتز بر بسیاری از بحث‌های اصلی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از جمله نهادگرایی نئولیبرال تاثیر گذاشت. بحث عامل و ساختار؛ اهمیت بازیگران غیردولتی؛ و اخیرا مطالعات سلسله مراتب بین المللی جدید. انتقاد و نارضایتی از واقع گرایی ساختاری والتز به برنامه‌های پژوهشی ساخت گرایانه، فرهنگی، ایده پردازی و سیاست داخلی دامن زد. نظریه پردازان واقع گرای ساختاری برگرفته از واقع گرایی ساختاری والتز را می‌توان به دو گروه رقیب با مفروضات و نسخه‌های خط مشی رقیب تقسیم کرد: واقع گرایی تهاجمی و واقع گرایی تدافعی. یکی تمایز میان این دو نسخه از واقع گرایی، نقش نظام بین الملل آنارشی است و اینکه آیا دولت‌ها را تشویق می‌کند تا امنیت خود را به حداکثر برسانند یا قدرت و نفوذ خود را به حداکثر برسانند. تمایز دوم این است که آیا تسخیر و گسترش، و به طور کلی، علت رفتار حالت آسیب‌ناختی از جمله گسترش بیش از حد، احاطه خود و گسترش بیش از حد است. تمایز نهایی این است که آیا دولت‌ها اساسا در نیات خود تجدیدنظرطلب هستند یا حداقل چنین فرض می‌شود یا اینکه آیا دولت‌ها اساسا از رفتار امنیت طلبانه انگیزه می‌گیرند (Lobell, 2017).

#### دیپلماسی انرژی

یک دوره‌ی یک دهه مازاد عرضه در بازارهای نفت و گاز و در نتیجه قیمت‌های پایین، بحث‌های عمومی در مورد این موضوعات را آرام کرد. تنها از آغاز هزاره جدید، زمانی که توازن عرضه و تقاضا هم در بازارهای جهانی نفت و هم در بازارهای گاز منطقه‌ای دوباره تشدید شد، دیپلماسی انرژی دوباره مورد توجه قرار گرفت. علی‌رغم پژوهش‌های بی شماری که این واژه را به رابطه انرژی، سیاست خارجی و امنیت عرضه مرتبط می‌کند، هیچ اتفاق نظری در مورد معنای دقیق واژه دیپلماسی انرژی وجود ندارد. بررسی بحث‌های کنونی در مورد دیپلماسی انرژی، یک ارتباط قوی فرضی را آشکار می‌کند، به ویژه بین سیاست انرژی و توسعه، تجارت دوجانبه، کمک‌های نظامی و به طور کلی سیاست خارجی. به عنوان یک الگوی کلی، این اصطلاح بیشتر در بحث‌های اطلاعاتی ژئوپلیتیک در مورد دسترسی به منابع استفاده می‌شود و به استفاده استراتژیک و ایزاری از سیاست خارجی برای تامین منابع انرژی یک کشور اشاره می‌کند. اشاره به دیپلماسی نفتی چین در آفریقا و دیپلماسی خط لوله کرملین در منطقه خزر و آسیا مواردی از این دست است (Goldthau, 2010).

در حالی که یک تعریف عمومی پذیرفته شده از دیپلماسی انرژی وجود ندارد، به نظر می‌رسد مناسب است که این اصطلاح را اینگونه تعریف کنیم: «استفاده از سیاست خارجی برای تضمین دسترسی به منابع انرژی در خارج از کشور و ترویج همکاری (عمدتا دوجانبه، یعنی دولت با دولت) در بخش انرژی». این تعریف نشان می‌دهد که واحدهای اولیه تحلیل، دولت‌ها یا بازیگران دولتی هستند و محرک اصلی در پس انعقاد

<sup>1</sup> Kenneth N. Waltz

قراردادهای نفت و گاز لزوماً به حداکثر رساندن فرصت‌های تجاری نیست، بلکه اهداف امنیت ملی است؛ و اینکه محاسبات زیربنایی هزینه و فایده از یک منطق اقتصادی پیروی نمی‌کند بلکه از منطق سیاسی پیروی می‌کند (Goldthau, 2010).

دیپلماسی انرژی شامل مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌های تک‌تک کشورها است که به دنبال دستیابی به حداقل دو هدف اصلی از طریق تعامل بین‌المللی است. هدف اول تامین اهداف بخش انرژی است که در اسناد سیاستی کشور یا گزارش‌های سفید ملی در مورد انرژی تعریف و بیان شده است. هدف دوم، ارتقای امنیت ملی و بین‌المللی کشور مربوطه از طریق تامین جایگاه بهتر و ایفای نقش تاثیرگذارتر در عرصه بین‌المللی است (Adeli, 2010).

هدف اصلی و متعارف بخش انرژی، احتمالاً در همه جا مشترک است، تامین منبع انرژی پایدار برای جامعه به طور کلی، و به ویژه برای رشد و توسعه اقتصادی است. این امر به عنوان امنیت عرضه شناخته شده است که برای همه کشورها - اقتصادها اعمال می‌شود. هنگامی که در مورد کشورهای تولیدکننده انرژی اعمال می‌شود، این وضعیت ابعاد به همان اندازه مهم دیگری را نیز به خود می‌گیرد. یعنی باید علاوه بر نیاز به تامین بی‌وقفه انرژی برای مصارف خانگی، امنیت تقاضا را نیز شامل شود. هدف دوم استفاده از ظرفیت‌های انرژی ب‌عنوان ابزار سیاست خارجی به منظور بازدارندگی، کاهش یا حذف تهدیدات و خطرات ملی و ترجیحاً حتی برای تاثیرگذاری یا کنترل جهت‌گیری رویدادها برای پیشبرد امنیت و منافع ملی است. بنابراین، دیپلماسی موثر انرژی به دنبال تعریف روابط بین‌الملل کشور مربوطه به گونه‌ای است که هم اهداف خاص بخش انرژی را در کنار امنیت ملی و هم اهداف بین‌المللی را دنبال کند (Adeli, 2010).

انرژی در طول چند دهه گذشته به طور فزاینده‌ای به یک موضوع پیچیده تر تبدیل شده است. این موضوع به عنوان یک نگرانی چالش برانگیز بین‌المللی ظاهر شده و ابعاد سیاسی بیشتری به خود گرفته است. بنابراین، منطقی است که بگوییم پیچیدگی و همچنین ابعاد بین‌المللی و سیاسی انرژی، همگی برای شکل دهی به چالش‌های دیپلماسی انرژی امروزی با هم ترکیب می‌شوند. دو مجموعه از بازیگران بر پویایی دیپلماسی انرژی تاثیر می‌گذارند. بازیگران دولتی/حکومتی و بازیگران غیردولتی/غیرحکومتی (Adeli, 2010).

در سطح دولتی می‌توان سه بازیگر اصلی را شناخت. کشورهای تولیدکننده نفت و گاز؛ کشورهای مصرف‌کننده نفت و گاز؛ و کشورهایی که می‌خواهند از ظرفیت‌هایی مانند موقعیت ترانزیت یا ظرفیت مالی برای تاثیرگذاری بر معاملات و روندهای انرژی استفاده کنند. هر گروه از این بازیگران صحنه انرژی را متفاوت می‌بینند و سیاست‌ها و اولویت‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند. در سطح غیردولتی، بازیگران متعددی درگیر هستند، از شرکت‌های نفتی بین‌المللی، شرکت‌های نفت ملی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای مالی ملی و بین‌المللی، شرکت‌های حمل‌ونقل، فناوری و تحقیق و توسعه، تغییرات آب و هوایی و سازمان‌های غیردولتی جنبش سبز (Adeli, 2010).

### دیپلماسی انرژی و واقع‌گرایی ساختاری

همانطور که استدلال می‌شود، نظریه واقع‌گرایی ساختاری سیاست بین‌الملل ممکن است همیشه رقابتی نباشد. نسخه‌های نظری زمانی معتبر هستند که امنیت به عنوان یک مفهوم در چارچوبی وسیع‌تر تحلیل شود، اما محدود کردن مفهوم امنیت و پرداختن به آن در چارچوب امنیت انرژی می‌تواند تغییرات اساسی در این نظریه ایجاد کند. این تغییرات در گزاره‌های نظریه را می‌توان به راحتی از طریق مستندسازی شواهد اثبات کرد (Jaybhay, 2020).

در حوزه کاربرد واقع‌گرایی ساختاری در دیپلماسی انرژی، به جای تمرکز بر توزیع توانمندی‌های قدرت، بر توزیع توانمندی‌های حوزه انرژی تمرکز می‌کنیم، زیرا در اینجا این را پیش‌نیازی برای ساخت یا پیش‌بینی قدرت می‌دانیم. توانمندی‌های انرژی دو بعد دارد. توانمندی‌های

عرضه انرژی، به عنوان کشورهای سنجیده می شود که قادر به تامین انرژی بدون هیچ گونه اختلالی هستند از نظر تقاضا، به عنوان کشورهای سنجیده می شود که قادر به دستیابی به انرژی مورد نیاز خود هستند (Jaybhay, 2020).

توزیع مربوط به توانمندی های انرژی، ساختار سیستم انرژی بین الملل را که اساسا ماهیت دوقطبی دارد، مشخص خواهد کرد. منظور از دوقطبی، بلوک های کشورهای است که انرژی را تامین می کنند و سایر بلوک هایی که خواهان انرژی هستند. گزاره کلیدی که باید در این زمینه بدان توجه شود این است که دولت های غنی از منابع اساسا توسعه نیافته هستند و دولت های با کمبود منابع توسعه یافته اند، این عدم تعادل غیرعادی منابع در هم تنیده با توسعه موجب توسعه تقاضا محور کشورهای عرضه کننده می شود. کشورهای تقاضاکننده معمولا کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه هستند که سرمایه گذاری زیادی در این کشورهای عرضه کننده دارند تا از پیامدهای اختلال در عرضه جلوگیری کنند (Jaybhay, 2020).

واقع گرایی ساختاری نتیجه تکاملی واقع گرایی کلاسیک بود. همانطور که پیشتر اشاره شد هسته واقع گرایی ساختاری توسط کنت والتز در نظریه سیاست بین الملل (۱۹۷۹) مطرح و توسعه یافت. واقع گرایان ساختاری بر نتایج تعامل بین واحدهای دولتی که واحد بین الملل را تشکیل می دهند تمرکز می کنند. واقع گرایان ساختاری در توضیح فرآیندی که دولت ها از آن برای ساختن سیاست خارجی خود استفاده می کنند، با توجه به تمرکز سطح تحلیل آن ها بر روی سیستم، ناکام هستند. از این رو، واقع گرایان ساختاری نمی توانند نقش منابع انرژی را در منابع سیاست گذاران توضیح دهد. نقش منابع انرژی در تحلیل سیاست خارجی قطعا مستلزم تجزیه و تحلیل سطح واحد است، زیرا دولت ها آنطور که واقع گرایان پیشنهاد می کنند شبیه هم نیستند. معرفی تحلیل عمیق تر واحدهای دولتی در مدل واقع گرایی ساختاری منجر به توسعه دو رشته در واقع گرایی ساختاری دیگر شده است، یکی «واقع گرایی ساختاری تدافعی» که اساسا توسط خود والتز و دیگری «واقع گرایی ساختاری تهاجمی» که توسط مرشایمر مطرح شده است (Česnakas, 2010).

#### دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه

با افزایش اهمیت اقتصاد در قدرت ملی کشورها، دستیابی به منابع انرژی به عنوان یکی از اصلی ترین انگیزه ها برای تبیین رفتار دولت ها به ویژه دولت های بزرگ در عرصه سیاست خارجی درآمد اما با این حال منابع انرژی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی از سال ۱۹۷۳ استفاده شده است، زمانی که اوپک تحریم نفتی را علیه کشورهای مصرف کننده ای که از اسرائیل در جنگ با کشورهای عربی حمایت می کردند با هدف کاهش حمایت آن ها از دولت یهود، اعلام کرد. در سال ۱۹۸۴، رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده، با ساخت خط لوله گاز طبیعی که اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری فدرال آلمان را به هم متصل می کند، مخالفت کرد و ادعا کرد که اتحاد جماهیر شوروی ممکن است از منابع انرژی علیه کشورهای اروپای غربی با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود استفاده کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی بیشترین فراوانی را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت و روسیه سعی داشت بر سیاست های داخلی و خارجی کشورهای مصرف کننده تأثیر بگذارد (Pierini, 2019).

بررسی روندهای موجود در ساختار جدید اقتصاد سیاسی بین الملل مؤید آن است که در این ساختار؛ انرژی از ارکان مهم سازنده هژمونی بوده و نقشی استراتژیک در رویکردهای قدرتهای بزرگ جهانی در این خصوص ایفا می کند زیرا استفاده از انرژی به عنوان یک اهرم سیاسی، مورد توجه کشورهای صادرکننده قرار گرفته و این امر به ارتقای قدرت و جایگاه آن ها انجامیده است بنابراین می توان گفت امروزه نفت و گاز یکی

از اهرم‌های تعیین کننده در مناسبات بین‌المللی محسوب می‌شود که می‌تواند به برتری یک کشور بر سایر کشورها بی انجامد به همین خاطر با اهمیت یافتن روزافزون مقوله اقتصاد و بویژه انرژی در سیاست خارجی کشورها، شاهد ظهور مفهوم نوینی در ادبیات سیاست خارجی به نام دیپلماسی انرژی هستیم. بنابراین دیپلماسی انرژی را می‌توان «همکاری متقابل در پروژه‌های نفت و گاز به منظور توسعه میداین مشترک، یا تلاش برای کسب اجماع و حداکثر سازی منافع ملی کشورها در یک سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی و ابزاری برای اعمال نفوذ از طریق اجبار تعریف کرد.» (Karimi Pour, 2017)؛ به عبارت دیگر جهت ملموس شدن اهمیت دیپلماسی انرژی در راستای تحقق اهداف سیاسی می‌توان دیپلماسی انرژی را: «محصول تلاش کشورها برای بهره‌گیری از ابزار انرژی برای تحقق اهداف و منافع ملی در عرصه سیاست خارجی است تعریف نمود.» (Karimi Pour, 2017). از این رو می‌توان استدلال نمود که دیپلماسی انرژی به تقویت سیاست خارجی می‌انجامد، دستور کار سیاست خارجی یک کشور نیز می‌تواند جهت گیری دیپلماسی انرژی آن را نیز تعیین کند و فرا تر از آن با امنیت ملی یک کشور گره خورده است مبنی براینکه کارکرد اصلی دیپلماسی انرژی در زمینه تأمین امنیت ملی را باید در پیوند میان کشورها و ایجاد وابستگی متقابل جستجو کرد. یک دولت با پی ریزی دیپلماسی انرژی خود تلاش می‌کند تا با ایجاد وابستگی در کشورهای هدف، به نوعی امنیت ملی خویش را با منافع ملی کشورهای دیگر پیوند دهد و از این طریق ضریب امنیت ملی خود را ارتقا بخشد. دیپلماسی خط لوله که امروزه به یکی از رایج ترین اشکال انتقال انرژی تبدیل شده است در واقع جلوه‌ای از تلاش کشورها برای ارتقای ضریب امنیت ملی خویش از رهگذر دیپلماسی انرژی است (Hosseini & Khazaei, 2019). متناسب با تعریف‌های ارائه شده از دیپلماسی انرژی و اهداف سیاسی و امنیتی آن می‌توان کارکردهای دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی کشورهای مختلف را دارای اهمیت‌های متفاوتی دانست به عنوان مثال ممکن است برای دولتی مانند رژیم صهیونیستی که موجودیت آن از سوی کشورهای متخاصم همواره مورد تهدید است، دیپلماسی انرژی ابزاری برای تداوم حیات باشد. اما برای کشوری همچون روسیه که سودای احیای قلمرو و قدرت اتحاد جماهیر شوروی را در سر می‌پراند ابزاری برای افزایش نقش آفرینی بیشتر و مسجل نمودن ابرقدرتی خویش در عرصه نظام بین‌الملل باشد.

#### جایگاه دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه

تجزیه و تحلیل روابط روسیه با کشورهای پس از شوروی نشان می‌دهد که استفاده از ابزار انرژی موضوعی انتخابی است به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۶ عرضه گاز به اوکراین به دلیل عدم توافق متوقف شد، در حالی که در سال ۲۰۰۷ گاز بدون امضای رسمی به بلاروس عرضه شد (Česnakas, 2010).

بنابراین می‌توان بیان داشت که دیپلماسی انرژی یک حوزه دیپلماتیک رو به رشد است که هدف آن تأمین امنیت انرژی است. انرژی در نتیجه تاثیر فزاینده آن بر امنیت ملی و اقتصاد وارد حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی شده است. انرژی، اقتصاد را تقویت می‌کند. جریان بی وقفه آن، به سمت داخل برای کشورهای واردکننده، و به خارج برای صادرات، باید همیشه تأمین شود. تا چند دهه آخر قرن بیستم، مسئله انرژی به عنوان یک موضوع فوری و ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار نمی‌گرفت. در دسترس بودن، مقرون به صرفه بودن و عرضه، یک مسئله امنیتی نبود. ظرفیت تولید و مصرف صنعتی کمتر بود و حرکت انرژی عموماً ایمن و قابل اعتماد بود. در طول انقلاب صنعتی، نیاز فزاینده به انرژی با سرعت قابل توجهی افزایش یافت و در قرن بیستم این روند تشدید شد. تنها در ۵۰ سال گذشته، بین ۱۹۷۱ و ۲۰۱۷ کل عرضه انرژی اولیه جهان بیش از ۲۵۰ درصد از ۵،۵۱۹ Mtoe به ۱۳،۹۷۲ Mtoe افزایش یافته است. این تغییر وضعیت باعث ایجاد یک سری عوامل شد که امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی را در دستور کار امنیت ملی قرار داد. ادارات امنیت ملی در سرتاسر جهان از نزدیک تشدید شدید مصرف

انرژی را زیر نظر دارند. مصرف کننده مدرن و اقتصاد معاصر به تدریج به انرژی وابسته شده اند. از این رو اقتصاد و انرژی به مفاهیمی جدایی ناپذیر تبدیل شده اند. انرژی مترادف اقتصاد و قدرت محسوب و نداشتن کافی آن به دغدغه حداکثری امنیت ملی تبدیل شده است. امنیت عرضه که دستور کارهای ملی و بین المللی را شکل داده است، کشورهای تولیدکننده نفت و گاز با هم در قالب ائتلافی سازماندهی شده اند و از منابع انرژی تازه کشف شده برای حمایت از اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی خود استفاده می کنند. شرکت های نفت و گاز به برخی از تأثیرگذارترین سازمان ها در عرصه تجارت جهانی و تأثیرگذار بر قدرت تبدیل شده اند. نوسانات قیمت نفت ناشی از شوک های نفتی، بر استراتژی های ملی و ژئوپلیتیکی تأثیر می گذارد. پیامدهای اقتصادی آن قابل توجه بود، بنابراین انرژی باید در فهرست مسائل امنیتی و سیاست خارجی دولت ها قرار می گرفت. دیپلماسی انرژی به فعالیت های دیپلماتیکی اشاره دارد که برای افزایش دسترسی به منابع و بازارهای انرژی طراحی شده اند. این سیستمی است برای تأثیرگذاری بر سیاست ها، قطعنامه ها و رفتار دولت های خارجی و سایر عوامل بین المللی از طریق گفت و گوی دیپلماتیک، مذاکره، لابی گری، حمایت و سایر روش های صلح آمیز.

رابطه کلی بین سیاست خارجی و دیپلماسی انرژی از نظر مفهومی رابطه اصلی و عاملی است. سیاست خارجی اهداف و استراتژی کلی سیاسی را تعیین می کند در حالی که دیپلماسی انرژی مکانیزمی برای دستیابی به اهداف است. دیپلماسی انرژی ابزار سیاست خارجی است. هدف دیپلماسی انرژی حفظ امنیت اقتصادی و انرژی است. دیپلماسی انرژی، روابط اقتصادی و تجاری یک کشور را با سایر کشورها و سازمان ها کانالیزه می کند و از امنیت انرژی از طریق در دسترس بودن، قابلیت اطمینان و مقرون به صرفه بودن محافظت می کند (Bovan, 2020).

درک ارتباط نزدیک بین سیاست خارجی و انرژی برای اولین بار در استراتژی انرژی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۳ منعکس شد. بهبود موقعیت روسیه در سیستم بین المللی از طریق استفاده هوشمندانه از منابع انرژی نیز یکی از اهداف کلیدی استراتژی انرژی بعدی - ۲۰۳۰ است. علاوه بر این، پروژه استراتژی آینده انرژی روسیه<sup>۱</sup> - ۲۰۳۵ نشان داده است که یک هدف کلیدی جدید سیاست انرژی برای سال های آینده تقویت موقعیت روسیه در بازارهای جهانی انرژی است. بنابراین، می توان در بین خطوط همه استراتژی های انرژی روسیه خواند که هدف آن تبدیل شدن به یک ابرقدرت انرژی جهانی در آینده نزدیک است. سیاست انرژی روسیه اغلب مؤثر است زیرا رئیس جمهور و نخست وزیر روسیه مستقیماً در فرآیند تصمیم گیری تولیدکنندگان و توزیع کنندگان نفت و گاز دولتی دخالت دارند. دانش پوتین از سیاست و صنعت انرژی با هیچ یک از هم تاییان اروپایی او قابل مقایسه نیست. ارتقای منافع ملی روسیه از طریق استفاده از منابع انرژی، برنامه درسی برنامه آموزشی دیپلمات های آینده را تشکیل می دهد. به عنوان مثال، موسسه بین المللی سیاست انرژی و دیپلماسی<sup>۲</sup>، که در سال ۲۰۰۰ تاسیس شد، با هدف آماده سازی دیپلمات های انرژی آینده است.

در دیپلماسی انرژی، توافقات چند جانبه کمتری نسبت به بسیاری از بخش های دیگر سیاست، کشورها را ملزم می کند. در حالی که روسیه عضو سازمان تجارت جهانی است، مقررات WTO فقط پیامدهای جزئی برای تجارت انرژی دارد. از سال ۲۰۰۹، روسیه مفاد پیمان منشور انرژی چندجانبه<sup>۳</sup> را، که در ابتدا در سال ۱۹۹۴ امضا کرد اما هرگز تصویب نکرد، و تجارت، سرمایه گذاری، ترانزیت و کارایی انرژی را تنظیم می کند و دارای مکانیسم حل و فصل اختلافات است، اعمال نمی کند. در نتیجه، در کنار موافقت نامه های عرضه دوجانبه، اعلامیه ها و یادداشت های تفاهم با مشتریان و کشورهای شریک، عمدتاً قوانین و مقررات داخلی را می یابیم که زیربنای دیپلماسی انرژی روسیه است.

<sup>1</sup> future Russian Energy Strategy

<sup>2</sup> International Institute of Energy Policy and Diplomacy

<sup>3</sup> multilateral Energy Charter Treaty



مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه در نظر دارد " ... مشارکت استراتژیک این کشور با تولیدکنندگان عمده منابع انرژی را در حالی که فعالانه گفتگو با مصرف کنندگان و کشورهای ترانزیتی را ترویج می‌کند" تقویت کند. هدف استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۵، تنوع بخشیدن به صادرات انرژی روسیه از بازارهای اصلی اروپا به آسیا است، جایی که ۱۲ تا ۲۳ درصد از صادرات نفت و ۶ تا ۳۱ درصد از صادرات گاز طبیعی در نظر گرفته شده است. فروش گاز طبیعی به چین و نیاز به گفتگوهای بیشتر انرژی در آسیا ذکر شده است. در راستای افزایش جایگاه آسیا در دیپلماسی انرژی روسیه، در می ۲۰۱۴، گازپروم و شرکت چینی CNPC بر سر قرارداد خرید و فروش برای تجارت متقابل گاز طبیعی توافق کردند که از سال ۲۰۱۷ شروع شده و در نهایت از طریق خط لوله Power of Siberia به ۳۸ میلیارد متر مکعب در سال می‌رسد. پیش از این در سال ۲۰۱۴، کمیسیون اروپا توافقات دوجانبه روسیه با چندین کشور ترانزیتی پروژه خط لوله گاز طبیعی استریم جنوبی تحت رهبری گازپروم به اروپای جنوب شرقی را به دلیل نقض احتمالی قانون رقابت اتحادیه اروپا به چالش کشید. در پاییز ۲۰۱۴ روسیه این پروژه را لغو کرد. مقررات فزاینده بازارهای انرژی اتحادیه اروپا، و محفوظات سیاسی پس از درگیری روسیه و اوکراین، همراه با تقاضای رو به رشد در آسیا، دیپلماسی انرژی روسیه را به سمت شرق سوق می‌دهد تا تقاضا را تامین کند. تفاوت در قوانین و مقررات رسمی که بازیگران روسی در بازارهای اتحادیه اروپا و بازارهای نوظهور شمال شرق آسیا با آن مواجه می‌شوند، می‌تواند در نهایت از بین برود، زیرا این بازارها رقابت بیشتری را در بخش انرژی وارد می‌کنند (Alato et al., 2016).

به طور کلی، سیاست انرژی روسیه در میان مدت به طرق مختلف به چالش کشیده خواهد شد: تغییر جهانی به سمت LNG به عنوان وسیله‌ای برای تجارت گاز در سراسر جهان. الزام به مدرن سازی زیرساخت‌های روسیه به منظور حفظ رقابت پذیری انرژی؛ ضرورت دور شدن از اقتصاد تک بعدی؛ و نیاز به روی آوردن به انرژی‌های تجدیدپذیر. با این حال، «سیاست انرژی» روسیه احتمالاً جزء حیاتی سیاست خارجی این کشور باقی خواهد ماند (Pierini, 2019).

بنابراین در جمع‌بندی از بحث می‌توان بیان داشت با توجه به اینکه انرژی از منابع قابل تعویض است و امکان افزایش یا انتقال قدرت دولتی را به سایر زمینه‌ها از جمله: نظامی، صنعتی، مالی و دیپلماتیک ایجاد می‌کند لذا بهبود قدرت انرژی، توانایی دولت‌ها را برای ابراز منافع خود در خارج از کشور افزایش می‌دهد (Česnakas, 2010). از این رو دولتمردان روسیه با در پیش گرفتن سیاستی واقع‌گرایانه تلاش دارند تا، با تدوین استراتژی انرژی برای آینده، به عنوان یک ابر قدرت انرژی و امپراتور نفتی و بازیگری که با ارتقای جایگاه خود قادر به ایفای نقشی ژئوپلیتیکی و کلیدی در عرصه انرژی است تبدیل شود (Hosseini & Khazaei, 2019).

### تاثیر جنگ اوکراین بر دیپلماسی انرژی روسیه

جنگ اوکراین بر دیپلماسی انرژی از جنبه‌های مختلفی تاثیرگذار بوده است که در این مقاله از سه منظر افزایش نیاز چین به انرژی روسیه، کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی روسیه و تاثیر منفی بر آینده‌ی بازارهای انرژی ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است

### کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه

چند دهه پیش، نقش روسیه به عنوان بزرگ ترین تولیدکننده و صادرکننده تقریباً هر نوع سوخت فسیلی در جهان - نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ باعث ایجاد این مفهوم شد که روسیه یک ابرقدرت انرژی است. این امر بازتاب بزرگی در دنیای سیاست داشت و تلاش‌های پوتین رئیس‌جمهور روسیه را برای ایجاد این تصور که روسیه هنوز در امور جهانی سربلند است، تقویت کرد. با این حال، از اواسط دهه ۲۰۱۰، ظهور منابع انرژی تجدیدپذیر مقرون به صرفه، مانند صفحه‌های فتوولتائیک خورشیدی، توربین‌های بادی، و باتری‌های خودروهای الکتریکی،

این گونه تعاریف هیدروکربنی محور از انرژی را منسوخ کرد و وضعیت تولیدکنندگان ثروتمند نفت در اوراسیا و جاهای دیگر را به طور چشمگیری تغییر داد. در این دنیای جدید، به جای تمرکز بر شیوه‌های نوین برای استخراج نفت و گاز از زمین، پژوهش‌های جدیدی در مورد چگونگی توقف استخراج نفت یا حفظ آن به عنوان یک «دارایی سرگردان» در زمین متمرکز شد. در همین حال، تنش‌های جدید بر سر «مواد انرژی حیاتی» نشان داد که انتقال انرژی به جای منسوخ کردن آن، ژئوپلیتیک انرژی را دگرگون می‌کند (Skalamera, 2023). از این رو انرژی برای عملکرد مناسب کشورهای امروزی، در هر جنبه‌ای از بعد فردی گرفته تا ابعاد اقتصادی و سیاسی - ضروری است. در صورت اختلال در عرضه انرژی، کل اقتصاد در معرض خطر فلج شدن قرار می‌گیرد و شهروندان از دسترسی به امکانات اولیه مانند گرمایش و برق محروم می‌شوند. با توجه به موارد فوق، بخش انرژی به عنوان یکی از مهم ترین بخش‌های راهبردی برای عملکرد یک کشور شناخته شده است. هدف سیاست انرژی هر کشوری این است که اطمینان حاصل شود که به منابع انرژی که به آن امنیت انرژی گفته می‌شود، دسترسی دارد. در همین راستا، امنیت انرژی در دنیای امروز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (Sadowska, 2022).

در این راستا کاملاً پرونیسکا<sup>۱</sup> استدلال می‌کند که تهدیدات امنیت انرژی را می‌توان بر اساس منشاء منبع تهدید تقسیم کرد. این شامل تهدیدهای خارجی یعنی همه تهدیدهایی است که منجر به اختلال در عرضه به یک دولت یا بازارهای جهانی می‌شود و تهدیدهای داخلی در قالب زیرساخت‌های انرژی معیوب یک کشور خاص می‌تواند یکی از بزرگترین تهدیدات خارجی برای امنیت انرژی کشورهای واردکننده انرژی به حساب آید، از این رو چنین وضعیتی می‌تواند توسط عوامل سیاسی یا فنی ایجاد شود. با توجه به اینکه فدراسیون روسیه تامین کننده اصلی منابع اتحادیه اروپا است، شرایط کنونی در رابطه با جنگ روسیه و اوکراین یک تهدید مهم برای امنیت انرژی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود (Sadowska, 2022).

تنش بین فدراسیون روسیه و اوکراین برای سال‌ها یک واقعیت بوده است، همانطور که این امر با وقوع بحران‌های گازی متعدد در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ ثابت شد، زمانی که روسیه عرضه گاز خود را متوقف کرد و از منابع انرژی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی خود استفاده نمود. یعنی توسل به اصطلاح باج گیری انرژی.

اوایل سال ۲۰۲۲ نقطه اوج این درگیری کهنه و قدیمی بود آنجا که در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲، پس از هفته‌ها تنش، رئیس جمهور فدراسیون روسیه مناطق دونتسک و لوهانسک را به عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت و نیروهای روسی را برای استقرار در آنجا اعزام کرد. این امر به دنبال تهاجم روسیه به اوکراین که در ۲۴ فوریه آغاز شد. انجام گرفت. حمله روسیه به اوکراین با واکنش تند بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مواجه شد. اتحادیه اروپا نیز آن را محکوم کرد. درگیری بین اوکراین و فدراسیون روسیه پیامدهای گسترده‌ای بر روابط بین الملل به طور کلی و اقتصاد کشورهای همسایه داشته است. این شامل تاثیر قابل توجهی بر بخش انرژی نیز می‌شود. تهاجم روسیه به اوکراین بازارهای جهانی را مختل کرده است. قیمت جهانی سوخت از زمان آغاز رسمی درگیری به شدت افزایش یافته است. این امر برای اقتصاد کشورهای اتحادیه اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این واقعیت که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۵۵ میلیارد متر مکعب گاز از فدراسیون روسیه وارد کرده است (که حدود ۴۰ درصد کل واردات آن است) این کشور را به بزرگترین تامین کننده گاز در میان کشورهای جهان سوم تبدیل می‌کند (Sadowska, 2022).

<sup>1</sup> Kamila Pronińska

فدراسیون روسیه هرگز تامین کننده قابل اعتمادی در حوزه انرژی برای اتحادیه اروپا نبوده است، که قطعاً بحران‌های گازی فوق الذکر این موضوع را ثابت می‌کند. کاهش عرضه گاز طبیعی نوعی نمایش قدرت است که هدف آن تاکید بر تسلط روسیه در بخش انرژی است که با ایده‌های اساسی مکتب واقع‌گرایی همخوانی دارد. با این حال، پس از شروع جنگ با اوکراین، فدراسیون روسیه باقی مانده اعتبار خود را در نزد کشورهای عضو اتحادیه اروپا از دست داد. تحریم‌های اعمال شده توسط اتحادیه اروپا، فدراسیون روسیه را مجبور کرد که صادرات خود به برخی از کشورهای عضو این اتحادیه را متوقف کند. این یک مشکل مهم برای اتحادیه اروپا محسوب می‌شد. بنابراین، در حال حاضر اتحادیه اروپا از هیچ تلاشی برای تامین امنیت منابع گاز و افزایش تامین گاز از سایر تامین کنندگان دریغ نمی‌کند.

#### اقدامات تحریمی اتحادیه اروپا بر سیاست انرژی روسیه

اتحادیه اروپا و سایر کشورها تهاجم روسیه به اوکراین را به شدت محکوم کرده‌اند. اتحادیه اروپا بارها از این کشور خواسته است که نیروهای خود را از خاک اوکراین خارج کند و به تمامیت و حاکمیت اوکراین احترام بگذارد. اتحادیه اروپا از آغاز جنگ شش بسته تحریمی علیه فدراسیون روسیه اعمال کرده است. اولین تحریم‌هایی که بخش انرژی را تحت تاثیر قرار داد در بسته دوم تحریم‌ها اعمال و در ۲۵ فوریه ۲۰۲۲ اعلام شد. اتحادیه اروپا صادرات، فروش، عرضه، انتقال و صادرات برخی کالاها و فناوری برای پالایش نفت را به روسیه ممنوع کرد و قصد دارد محدودیت‌هایی را برای ارائه خدمات مرتبط با آن اعمال کند. این ممنوعیت صادرات قرار است به بخش نفت روسیه ضربه بزند و روسیه را از مدرنیزه کردن پالایشگاه‌های خود باز دارد (Sadowska, 2022).

بسته چهارم تحریم‌ها که شورای اتحادیه اروپا در ۱۵ مارس ۲۰۲۲ اعلام کرد، سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش انرژی روسیه را ممنوع و محدودیت‌های صادراتی گسترده‌ای را بر تجهیزات، فناوری و خدمات صنعت انرژی اعمال کرد. بسته پنجم تحریم‌ها که در ۸ آوریل اعلام شد، خرید، واردات و انتقال زغال سنگ و سایر سوخت‌های فسیلی جامد از روسیه را ممنوع کرد. این ممنوعیت از اوت ۲۰۲۲ اعمال شده است. نکته جالبی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که ارزش زغال سنگ وارداتی از روسیه سالانه به ۸ میلیارد یورو می‌رسد. بسته ششم تحریم‌ها که در ۳ ژوئن ۲۰۲۲ اعلام شد، شامل ممنوعیت واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی پالایش شده از روسیه است. در نتیجه، کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۶ ماه فرصت دارند تا از عرضه نفت روسیه مستقل شوند. در مورد سایر فرآورده‌های نفتی این مدت ۸ ماه است. هدف از تحریم‌های ذکر شده آسیب قابل توجهی به فدراسیون روسیه و کاهش درآمدهای آن بود که این کشور برای تامین مالی جنگ در اوکراین استفاده می‌کند. با این حال، اعلام تحریم واردات نفت با تعویق تا شش ماه بدون اقدام فوری باعث افزایش قیمت نفت شد که به نوبه خود منجر به هزینه‌های بالا برای کشورهای عضو و حتی درآمدهای بیشتر برای فدراسیون روسیه به دلیل تغییر شد (Sadowska, 2022). در مورد بخش گاز، پس از تهاجم روسیه به اوکراین، جمهوری فدرال آلمان روند صدور گواهینامه خط لوله گاز نورد استریم ۲ را متوقف کرد. این تصمیم ناشی از رویدادهای منطقه دونباس یعنی به رسمیت شناختن دو جمهوری مستقل در شرق اوکراین از سوی روسیه بود. این بدان معناست که تصمیم برای راه اندازی نورد استریم ۲ در این مقطع کاملاً سیاسی است. خط لوله اکنون کامل و آماده بهره برداری است. تنها چیزی که برای راه اندازی آن و آغاز انتقال گاز از روسیه ضروری است، تایید رسمی دولت آلمان است. از نقطه نظر سیاست مواد خام، توقف راه اندازی نورد استریم ۲ تصمیم سرنوشت سازی است. این پروژه سرمایه گذاری که هزینه آن در حال حاضر به چندین میلیارد دلار می‌رسد، در حال حاضر مسدود است و هیچ سودی ندارد. علاوه بر این، نورد استریم ۲ قرار بود روسیه را از کشورهای ترانزیت مستقل کند و تامین گاز را تحت قراردادهای بلندمدت به کشورهای اروپای غربی تضمین کند. در این مرحله، روسیه بر اساس قرارداد ترانزیت که تا سال

۲۰۲۴ معتبر است، به تامین گاز از طریق اوکراین حساب می‌کند. از دیدگاه اتحادیه اروپا، خط لوله نورد استریم ۲ کشورهای اروپایی را بیشتر به تامین گاز از روسیه وابسته می‌کند که برخلاف ایده «یک اتحادیه انرژی» است. اکنون تعلیق صدور گواهینامه نورد استریم ۲ یکی از دردناک ترین تحریم‌های اعمال شده علیه فدراسیون به حساب می‌آید (Skalamera, 2023).

از این رو در واکنش به تحریم‌های اعمال شده، فدراسیون روسیه در ماه آوریل عرضه گاز به لهستان و بلغارستان را متوقف کرد. دلیل ذکر شده تصمیم لهستان و بلغارستان مبنی بر عدم پرداخت به روبل بود. به دلیل اتخاذ روش‌های جدید صورت حساب که با فرمان ولادیمیر پوتین در ۳۱ مارس بر واردکنندگان تحمیل شده بود، روسیه می‌خواست به پول ملی خود پرداخت شود. این فرمان تعهدی را بر خریداران گاز روسیه تحمیل می‌کند تا حساب‌های ارزی و روبلی در گازپروم بانک ایجاد کنند و پرداخت‌ها را طبق یک سیستم دو مرحله‌ای انجام دهند: ابتدا مبالغ مقرر به ارز خارجی معین منتقل شده و سپس به روبل تبدیل می‌شود. اکثر کشورهای عضو با قوانین جدید وضع شده توسط کرملین مخالفت کردند. روسیه امیدوار بود که تعلیق گاز باعث شود حداقل برخی کشورها شرایط جدید را بپذیرند. هدف این استراتژی همچنین ایجاد شکاف بین کشورهای عضو و بی ثبات کردن اتحادیه اروپا به عنوان یک واحد کل با هدف جلوگیری از فرآیندهای تصمیم‌گیری آن است.

فدراسیون روسیه در ژوئن ۲۰۲۲ به طور منظم عرضه گاز صادراتی به کشورهای اتحادیه اروپا را کاهش داد. این کاهش عمدتاً جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا و فرانسه را تحت تاثیر قرار داد. با در نظر گرفتن موارد فوق، می‌توان استدلال کرد که محدودیت‌های عرضه به شکل باج‌گیری انرژی است و هدف آن‌ها محدود کردن حمایت کشورهای غربی از اوکراین است. کاهش هرچه بیشتر عرضه گاز در دوره ۱۱-۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲ به دلیل بازرسی فنی و از ۳۱ اوت تا ۳ سپتامبر همان سال به دلیل تعمیرات در ایستگاه فشرده‌سازی پورتوویا رخ داد. با این حال، در اوایل ۲ سپتامبر، گازپروم از توقف کامل عرضه از طریق خط لوله نورد استریم ۱ خبر داد. توقف کامل عرضه گاز از طریق یک خط لوله بزرگ باز هم ضربه مهمی به بازار گاز وارد کرد و قیمت‌ها حدود ۳۰ درصد افزایش یافت (Skalamera, 2023).

تحریم‌های اعمال شده توسط اتحادیه اروپا باعث واکنش سریع طرف روسیه در قالب قطع‌های متعدد گاز شد که در نهایت منجر به توقف عرضه گاز به مشتریان اصلی اتحادیه اروپا گردید. افزایش قیمت انرژی بر اقتصاد کلی اتحادیه اروپا تاثیر می‌گذارد زیرا انرژی یک عامل تاثیرگذار بر قیمت است. رشد قیمت انرژی عامل اصلی تورم گسترده و کندی رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا است. از سوی دیگر، با توجه به تعریف امنیت انرژی، یعنی «در دسترس بودن بی وقفه منابع انرژی»، باید متوجه شد که این معیار نیز به دلیل وقفه در تامین گاز از سوی فدراسیون روسیه در حال حاضر برآورده نشده است. با این حال، اگر اتحادیه اروپا قراردادهای جدیدی برای تامین ال ان جی<sup>۱</sup> از ایالات متحده، آذربایجان، استرالیا، لیبی یا مصر منعقد کند و عرضه گاز از طریق خط لوله از نروژ و الجزایر را افزایش دهد، می‌تواند کمبود گاز را جبران کند (Sadowska, 2022).

سران کشورهای اروپایی در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ نشستی غیررسمی در ورسای برگزار کردند که منجر به تصویب به اعلامیه ورسای شد - تعهدی که شامل مقرراتی با هدف افزایش امنیت منابع انرژی اتحادیه اروپا بود. یکی از مهم ترین مواردی که در آن مطرح گردید، کاهش وابستگی واردات از فدراسیون روسیه بود. برای این منظور، کشورهای عضو باید منابع انرژی، تامین کنندگان و مسیرهای عرضه خود را از جمله از طریق استفاده از ال ان جی و توسعه کاربردهای بیوگاز متنوع کنند و باید به توسعه بازار هیدروژن ادامه دهند. برای افزایش استقلال انرژی، سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر، تسریع در روند اعطای مجوز برای ساخت و توسعه زیرساخت‌های انرژی، افزایش بهره‌وری انرژی

<sup>1</sup> LNG

و بهبود مدیریت مصرف انرژی ضروری است. از سوی دیگر، به منظور افزایش امنیت منابع انرژی، نهایی کردن و ساده‌سازی اتصال شبکه‌های گاز و برق اروپا، همگام‌سازی کامل شبکه‌های انرژی مختلف در سراسر اتحادیه اروپا و تقویت برنامه‌ریزی احتمالی اتحادیه اروپا مهم است (Adolfson et al., 2022).

همچنین، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ اعلام کرد که قصد دارد تا پایان سال تقریباً دو سوم از وابستگی به گاز روسیه را کاهش دهد. این اتحادیه قصد دارد با افزایش واردات گاز طبیعی مایع از سایر تامین‌کنندگان مانند ایالات متحده و قطر، حدود یک سوم گاز روسیه را جایگزین کند. ۶ درصد دیگر گاز باید از طریق خط لوله از کشورهایمانند نروژ تامین شود. در مقایسه با نفت و زغال سنگ، گاز منبع انرژی است که جایگزین کردن آن برای برخی از کشورهای اروپا دشوارتر است، زیرا زیرساخت‌های مورد نیاز برای دسترسی به سایر تامین‌کنندگان هنوز وجود ندارد. کشورهایمانند آلمان و ایتالیا بر روی ایجاد زیرساخت‌های لازم با گسترش ظرفیت گازی‌سازی مجدد کار می‌کنند و همچنین قراردادهای گازی را با سایر تامین‌کنندگان جایگزین تضمین کرده‌اند. تلاش کشورهای اتحادیه اروپا برای جایگزینی گاز روسیه، همراه با تقاضای کم به دلیل شرایط آب و هوایی معتدل، منجر به افزایش شدید موجودی گاز اروپا شد که به کاهش قیمت‌ها کمک کرد. به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه، روسیه تا آوریل و می ۲۰۲۲ تحویل گاز به لهستان، بلغارستان، فنلاند، دانمارک و هلند را متوقف کرد، زیرا آن‌ها با درخواست‌های روسیه برای پرداخت به روبل برای تحویل گاز موافقت نکردند (Adolfson et al., 2022).

#### جنگ اوکراین و تاثیر آن بر روابط چین و روسیه در حوزه انرژی

پس از حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، چین به عنوان یک شریک انرژی برای روسیه اهمیت بیشتری پیدا کرد. از آنجایی که مشتریان سنتی روسیه (کشورهای اروپایی) از واردات انرژی روسیه اجتناب کرده‌اند و شرکت‌های نفتی غربی از این کشور خارج شده‌اند، روسیه برای پر کردن این شکاف به چین روی آورده است. در سال ۲۰۲۲ هیچ افزایش قابل توجهی در وابستگی روسیه به خریداران چینی وجود نداشت، زیرا در نیمه اول سال، هم فروشندگان روسی و هم خریداران غربی سعی داشتند حجم روسیه را قبل از اعمال تحریم‌های اعلام شده غربی به حداکثر برسانند (۱۰ اوت ۲۰۲۲ برای زغال سنگ و ۵ دسامبر ۲۰۲۲ برای نفت خام) با نگاهی به آینده (Downs & Mitrova, 2023).

چین ۸۱.۳ میلیارد دلار برای واردات نفت، زغال سنگ، آل ان جی و گاز خط لوله روسیه در سال ۲۰۲۲ هزینه کرد که از ۵۲.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. بیشتر این پول - ۷۱.۸ درصد (حدود ۵۸.۴ میلیارد دلار) - برای نفت هزینه شده است. در سال ۲۰۲۲، میانگین قیمت نفت خام وارداتی از روسیه ۹۲ دلار در هر بشکه بود، در حالی که میانگین قیمت کل واردات نفت خام چین به استثنای روسیه، ۹۹ دلار در هر بشکه بود (Downs & Mitrova, 2023).

تحریم واردات نفت خام روسیه از طریق دریا توسط اتحادیه اروپا در ۵ دسامبر ۲۰۲۲ و ممنوعیت گروه جی ۷، اتحادیه اروپا و استرالیا برای حمل و نقل نفت خام روسیه مگر اینکه بشکه‌ای ۶۰ دلار یا کمتر از آن فروخته شود، تغییر مسیر روسیه در صادرات نفت خام از طریق دریا از غرب به شرق را تسریع می‌کند. اگرچه پکن سقف قیمت را تایید نکرده است، پالایشگاه‌های مستقل چین از آن برای اهرم در مذاکرات با طرف‌های روسی استفاده می‌کنند. آن‌ها نفت خام سیبری شرقی-اقیانوس آرام روسیه را بر اساس تحویل از بازرگانانی که حمل و نقل و بیمه را ترتیب می‌دهند، خریداری می‌کنند و پالایشگاه‌ها را از هرگونه تحریم ثانویه مرتبط با سقف قیمت محافظت می‌کنند. در سال ۲۰۲۲، صادرات نفت خام روسیه از طریق دریا به چین به طور متوسط حدود ۱ میلیون بشکه در روز بود. در دو ماه پس از ۵ دسامبر، هیچ افزایشی در صادرات

افشا شده روسیه به چین مشاهده نشد، اما سهم صادرات روسیه با «مقصد نامعلوم» به طور قابل توجهی افزایش یافت، به طوری که گزارش‌های خبری حاکی از آن است که احتمالاً بیشتر این نفت خام به چین یا هند ختم می‌شود.

در اوت ۲۰۲۲، ژانگ هانهویی سفیر چین در روسیه به رسانه‌های روسی گفت که استفاده از ارز چین در تسویه حساب تجاری دوجانبه از ۳.۱ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۱۷.۹ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. او همچنین گفت که در شرایط تحریم‌های غرب علیه روسیه، چین به حمایت از گسترش تسویه ارز محلی در تجارت دوجانبه ادامه خواهد داد. در سپتامبر ۲۰۲۲، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه اعلام کرد که چین بر اساس تقسیم ۵۰-۵۰ بین روبل و یوان، به گازپروم هزینه گاز طبیعی را پرداخت خواهد کرد. در نوامبر ۲۰۲۲، الکساندر نواک، نخست‌وزیر روسیه، اعلام کرد که پرداخت‌ها برای نفت، محصولات نفتی و زغال سنگ نیز به ارزهای ملی تغییر می‌کند (Interfax, 2022).

سهم تجهیزات چینی در بازار دکل حفاری روسیه احتمالاً رشد خواهد کرد و به طور پیوسته از حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش می‌یابد، زیرا شرکت‌های غربی روسیه را ترک کرده‌اند. به گفته سرگئی کونونکو، معاون سابق اداره وزارت صنعت و تجارت روسیه، تجهیزات چینی در نتیجه تحریم‌های غرب به طور فزاینده‌ای وارد بازار خدمات نفتی روسیه می‌شود. علاوه بر این، چین در حال توسعه ظرفیت تولید تجهیزاتی است که روسیه نمی‌تواند به مقدار کافی بسازد (Downs & Mitrova, 2023).

با این حال، چین ماژول‌های ال ان جی را به پروژه ال ان جی-۲ شمالی روسیه تامین می‌کند. در ماه مه ۲۰۲۲، گزارش‌هایی مبنی بر اینکه شرکت‌های چینی به دلیل تحریم‌های اتحادیه اروپا مجبور به توقف کار بر روی این پروژه هستند، منتشر شد. در اکتبر ۲۰۲۲، ناظران گزارش دادند که سازندگان چینی در تلاش بودند تا قبل از انقضای قراردادشان، ماژول‌ها را تحویل دهند (Downs & Mitrova, 2023).

در ۷ دسامبر ۲۰۲۲، بخش جدیدی از خط لوله PoS-1 که شهرهای تایان و تایکسینگ چین را به هم متصل می‌کند، شروع به کار کرد که از این طریق گاز روسیه به شانگهای می‌رسد. گازپروم در ۲۲ دسامبر ۲۰۲۲ عملیات میدان کوویکتا را آغاز کرد که گاز خط لوله PoS-1 را تامین می‌کند. پیش از این، تنها منبع تامین این خط لوله، میدان چایاندینسکویه بود که به تنهایی برای پر کردن PoS-1 به ظرفیت کامل ۳۸ میلیارد متر مکعب کافی نبود در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۳، مسکو و پکن یک توافقنامه بین دولتی در مورد تحویل گاز به چین از طریق «مسیر خاور دور»<sup>۱</sup> امضا کردند. این توافقنامه پارامترهای کلیدی یک قرارداد عرضه گاز سالانه ۱۰ میلیارد مترمکعبی را که توسط گازپروم و شرکت ملی نفت چین در ۴ فوریه ۲۰۲۲ امضا شده است، تعریف می‌کند. در توافقنامه جدید اشاره شده است که روسیه و چین از استفاده از ارزهای ملی خود برای پرداخت‌ها تحت قرارداد حمایت می‌کنند (Downs & Mitrova, 2023).

### نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی بیشترین تاثیر را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت و روسیه همواره می‌کوشد با استفاده از ابزار انرژی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای مصرف کننده تأثیر بگذارد و تا حدودی نیز موفق بوده است اما جنگ اوکراین و روسیه پیامدهایی در قالب کاهش استفاده ابزاری و سیاسی روسیه از انرژی، افزایش وابستگی چین به انرژی روسیه، کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به بازار انرژی روسیه و تأثیر مخرب بر آینده بازر نفتی ایران شده است. در پاسخ می‌توان بیان داشت که این جنگ از چند منظر دیپلماسی روسیه را متأثر از خود ساخته است اولاً؛ سبب کاهش وابستگی

<sup>1</sup> Far Eastern Route

اتحادیه اروپا به انرژی روسیه شده است زیرا این اتحادیه برای این منظور، کشورهای عضو منابع انرژی، تامین کنندگان و مسیرهای عرضه خود را از جمله از طریق استفاده از ال ان جی و توسعه کاربردهای بیوگاز متنوع نموده‌اند و به توسعه بازار هیدروژن ادامه داده‌اند همچنین برای افزایش استقلال انرژی، سرمایه‌گذاری در منابع انرژی تجدیدپذیر، تسریع در روند اعطای مجوز برای ساخت و توسعه زیرساخت‌های انرژی، افزایش بهره‌وری انرژی و بهبود مدیریت مصرف انرژی روی آورده‌اند. ثانیاً؛ باعث نزدیکی چین به روسیه جهت تامین انرژی شده است زیرا از آنجایی که مشتریان سنتی روسیه (کشورهای اروپایی) از واردات انرژی روسیه اجتناب کرده‌اند و شرکت‌های نفتی غربی از این کشور خارج شده‌اند، روسیه برای پر کردن این شکاف به چین روی آورده است

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The Ukraine war has significantly reshaped Russia's energy diplomacy by altering its relationships with key global energy markets, particularly the European Union and China. Energy diplomacy, as an integral part of foreign policy, has long been a tool for Russia to exert influence, leveraging its vast oil and gas reserves to assert its geopolitical interests. However, the war in Ukraine and the subsequent sanctions imposed by Western countries, particularly the European Union, have forced a major shift in Russia's energy strategy. The immediate impact has been a reduction in European reliance on Russian energy and a realignment of global energy flows. The European Union, which previously depended on Russia for a substantial portion of its natural gas supply, has implemented aggressive policies to diversify its energy sources. In response to these measures, European countries have increased liquefied natural gas (LNG) imports from the United States, Qatar, and Australia while strengthening energy ties with Norway and Algeria. The EU has also accelerated its transition toward renewable energy sources, aiming to decrease long-term reliance on fossil fuels. This shift has had profound implications for Russia, compelling it to seek alternative markets, with China emerging as the primary beneficiary. The decline of European dependence on Russian energy has underscored the growing fragility of energy as a geopolitical tool. Russia's use of energy as a coercive mechanism, demonstrated through past gas supply disruptions to Ukraine and European nations, has lost much of its effectiveness due to increased energy diversification in Europe (Sadowska, 2022). The European response has highlighted the importance of energy security and reduced the vulnerability of member states to Russian energy leverage. As a result, Russia has had to restructure its energy export strategy, redirecting supplies toward Asia, primarily China, and seeking to develop new partnerships to offset losses in the European market.

The Ukraine war has also solidified China's role as Russia's primary energy partner, with increasing energy exports strengthening economic ties between the two nations. China, which was already a key consumer of Russian oil and gas, has capitalized on the geopolitical shifts to secure energy supplies at discounted prices. In 2022, China significantly increased its purchases of Russian crude oil, coal, and LNG, benefiting from reduced European demand and Western sanctions on Russian exports



(Downs & Mitrova, 2023). Additionally, Russia and China have expanded their cooperation in energy infrastructure projects, including gas pipeline agreements and the use of alternative currencies in energy transactions to bypass Western financial restrictions. The Power of Siberia pipeline, which began operations in 2019, has become a crucial component of Russia's new energy strategy, providing a stable and growing supply route for natural gas exports to China. The potential expansion of this pipeline, alongside the newly negotiated "Far East Route" gas pipeline deal, reflects Moscow's strategic pivot toward the East (Interfax, 2022). The increasing reliance on China, however, presents challenges for Russia. While the Chinese market offers an alternative to lost European revenues, China's negotiating position has strengthened due to Moscow's lack of options. This dynamic has allowed China to demand lower prices and more favorable terms, diminishing Russia's ability to exert influence over its energy exports. The energy relationship between Russia and China, therefore, is evolving into a situation where Moscow is increasingly dependent on Beijing's willingness to buy its energy resources, potentially weakening Russia's long-term economic and political leverage. The sanctions imposed by Western nations, particularly the European Union, have further exacerbated Russia's energy challenges, limiting its access to critical energy infrastructure, technologies, and financial systems. The EU has imposed multiple rounds of sanctions targeting Russian oil, gas, and coal exports, including bans on crude oil imports, restrictions on financial transactions, and prohibitions on European companies providing technology and expertise to Russian energy firms. These measures have significantly disrupted Russia's ability to maintain and expand its energy sector. The loss of European investments and partnerships has hindered Russia's ability to develop new energy projects, forcing it to rely more heavily on domestic resources and non-Western partners (Sadowska, 2022). The decline in European demand for Russian energy has also accelerated global energy market shifts, as countries seek alternative suppliers to reduce dependency on Russian resources. The rise of LNG as a flexible and geopolitically secure energy source has particularly benefited suppliers such as the United States, which has increased its LNG exports to European markets, further diminishing Russia's role as a dominant energy supplier. The strategic competition between Russia and other energy-producing nations has intensified, with Moscow facing growing challenges in securing long-term contracts and maintaining stable export revenues. The transformation of energy geopolitics has thus weakened Russia's traditional energy dominance, pushing it into a more precarious economic position where it must navigate increasing competition and declining influence over global energy markets (Adolfson et al., 2022). The Ukraine war has not only altered Russia's external energy relationships but has also had significant domestic economic consequences. The Russian energy sector, a critical pillar of the country's economy, has faced declining revenues and increasing operational challenges due to sanctions and shifting global demand. The European departure from Russian energy markets has led to a surplus of supply, forcing Russia to sell its oil and gas at lower prices, particularly to Asian buyers. The financial strain on Russian energy firms has been exacerbated by the withdrawal of Western technology and expertise, creating difficulties in maintaining production efficiency and developing new energy projects. Additionally, the growing reliance on China for energy exports has placed Russia in a vulnerable position, as Beijing has secured increasingly favorable terms in negotiations, reducing Moscow's bargaining power. The long-term economic sustainability of Russia's energy sector is now in question, with potential declines in investment, technological stagnation, and shrinking profit margins. These challenges have forced the Russian government to explore new energy strategies, including deeper cooperation with non-Western partners, increased investment in domestic energy infrastructure, and efforts to bypass Western financial restrictions



through alternative payment mechanisms (Skalamera, 2023). Despite these adjustments, the fundamental shift in global energy dynamics suggests that Russia's traditional role as a dominant energy power is eroding, requiring significant adaptation to maintain economic stability in the face of ongoing geopolitical disruptions.

The impact of the Ukraine war on Russian energy diplomacy has also extended to broader global energy trends, influencing energy security policies and the strategic calculations of other nations. Countries previously dependent on Russian energy have accelerated efforts to diversify their supply chains, invest in renewable energy, and develop strategic reserves to mitigate future energy crises. The geopolitical instability caused by the war has heightened concerns over energy reliability, prompting governments to reassess their long-term energy strategies. The emergence of China as Russia's primary energy market has also reinforced the importance of energy diversification, with many countries recognizing the risks of overreliance on single energy suppliers. The global energy transition toward renewables has gained momentum, driven by the need for greater energy independence and sustainability. While Russia has sought to maintain its energy influence through new partnerships and alternative markets, the broader trend suggests a diminishing role for fossil fuel-dependent economies in shaping global geopolitics. The Ukraine war has thus accelerated pre-existing shifts in energy diplomacy, pushing the world further toward a decentralized and diversified energy landscape (Bovan, 2020).

In conclusion, the Ukraine war has fundamentally reshaped Russian energy diplomacy, reducing its leverage over European markets, deepening its dependence on China, and accelerating broader shifts in global energy geopolitics. The European Union's concerted efforts to decrease reliance on Russian energy, coupled with increasing sanctions and alternative energy strategies, have weakened Russia's ability to use energy as a political tool. While China has emerged as a crucial energy partner, the evolving power dynamics suggest that Russia's bargaining position has weakened, limiting its ability to dictate energy terms. Domestically, the Russian energy sector faces mounting financial and technological challenges, further complicating its long-term stability. The broader global energy landscape is undergoing rapid transformation, emphasizing diversification, renewable energy adoption, and increased energy security measures. As Russia navigates these challenges, its role in global energy markets is likely to continue diminishing, requiring strategic adaptations to maintain relevance in an increasingly multipolar energy environment.

## References

- Adeli, H. (2010). The Contribution of Energy Diplomacy to International Security; with Special Emphasis on Iranian Foreign Affairs. *Review of Foreign Affairs*, 1(2), 57-95.
- Adolfson, J. F., Kuik, F., Schuler, T., & Lis, E. (2022). The impact of the war in Ukraine on euro area energy markets. [https://www.ecb.europa.eu/press/economic-bulletin/focus/2022/html/ecb.ebbox202204\\_01~68ef3c3dc6.en.html](https://www.ecb.europa.eu/press/economic-bulletin/focus/2022/html/ecb.ebbox202204_01~68ef3c3dc6.en.html)
- Alato, P., Edited by G. Tiess, T. M., & Cameron, P. (2016). *Russian Energy diplomacy Encyclopedia of Mineral and Energy Policy*. Springer, Berlin. [https://doi.org/10.1007/978-3-642-40871-7\\_120-1](https://doi.org/10.1007/978-3-642-40871-7_120-1)
- Bovan, A. (2020). Negotiating energy diplomacy and its relationship with foreign policy and national security. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 10(2), 1-6. <https://doi.org/10.32479/ijeep.8754>
- Česnakas, G. (2010). Energy Resources in Foreign Policy: A Theoretical Approach. *Baltic Journal of Law & Politics*, 3(1), 30-52. <https://doi.org/10.2478/v10076-010-0003-y>
- Downs, E., & Mitrova, T. (2023). China-Russia Energy Relations One Year after the Invasion of Ukraine. <https://www.energypolicy.columbia.edu/qa-china-russia-energy-relations-one-year-after-the-invasion-of-ukraine/>
- Goldthau, A. (2010). *Energy Diplomacy in Trade and Investment of Oil and Gas Global Energy Governance. The new rules of the game*. Brookings Press.

- Hosseini, A., & Khazaei, M. (2019). The role of diplomacy and energy security strategy of Russia in its foreign policy (2000-2015). *Quarterly Journal of Political Strategy*, 3(8).
- Interfax. (2022). Russia, China Discussing System of Settlements without SWIFT, Mutually Opening Bank Accounts - Novak. <https://interfax.com/newsroom/top-stories/85476/>
- Jaybhay, R. (2020). *A neo-realist theoretical perspective in energy security*. <https://thekootneeti.in/2020/04/13/neo-realist-perspective-energy-security/>
- Karimi Pour, B. A. (2017). The role of energy diplomacy in the foreign policy of Russia and Qatar. *Quarterly Journal of Strategic Research*, 6(22).
- Lobell, S. E. (2017). *Structural Realism/Offensive and Defensive Realism*. <https://doi.org/https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190846626.013.304>
- Pierini, M. (2019). Russia's Energy Politics and Its Relevance for the European Union. <https://www.iemed.org/publication/russias-energy-politics-and-its-relevance-for-the-european-union>
- Sadowska, E. (2022). The Impact of the Russian-Ukrainian War on the European Union's Energy Security. *Energy Policy Studies*, 10, 41-52. <https://doi.org/https://doi.org/10.62316/SJDE2421>
- Skalamera, M. (2023). The Geopolitics of Energy after the Invasion of Ukraine. *The Washington Quarterly*, 46(1), 7-24. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/0163660X.2023.2190632>